



Examination of Some Individual and Social Religious Duties of the Physically Disabled from the Perspective of Verses and Hadiths: A Content Analysis Research

Abolfazl Teymuri¹, Rasul Mohammadjafari^{2*}

1- Master of Quran and Hadith Sciences, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

2- Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

***Corresponding Author:**

Rasul Mohammadjafari
Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

Email:

rasulmohamadjafari@yahoo.com

Received: 27 Jul 2021

Revised: 19 Dec 2021

Accepted: 27 Dec 2021

Abstract

Physically handicapped people, due to their disability, are naturally unable to perform some of their devotional duties. In religious teachings, based on the rule of negation of hardship and the rule of burdensome duty, the religious duties of physically-disabled individuals are legislated in proportion to the physical ability. Awareness of the disabled about this matter provides the ground for their interest and commitment to do their religious duties. Therefore, the present study, with the aim of explaining some individual and social devotional duties of the physically disabled in religious teachings, sought to answer this question with a descriptive-analytical method: "From the point of view of verses and hadiths, how should the disabled perform some individual and social worship duties?". According to the findings of research in verses and hadiths, at least the quality of performing four individual worship duties of the disabled, including Prayer, Hajj, du'ā', and learning religious issues, and the quality of performing their four social worship duties, including Adhan, congregational prayer and congregation imamate, jihād, and martyrdom, has been spoken. The performance of these duties will bring peace of mind to the disabled, and they will be able to resist the onslaught of despair and possible depression in the light of continuous communication with God Almighty in the form of certain acts of worship and will overcome the problems caused by the disabled.

Keywords: Duties, Hadiths, Individual, Physically handicapped, Social, Verses, Worship

► **Citation:** Teymuri A, Mohammadjafari R. Examination of Some Individual and Social Religious Duties of the Physically Disabled from the Perspective of Verses and Hadiths: A Content Analysis Research. Religion and Health, Autumn & Winter 2021; 9(2): 59-70 (Persian).



بررسی برخی از وظایف عبادی فردی و اجتماعی کم‌توانان جسمی از منظر آیات و روایات

ابوالفضل تیموری^۱، رسول محمدجعفری^{۲*}

چکیده

کم‌توانان جسمی به دلیل معلولیتی که دارند، به‌طور طبیعی نمی‌توانند برخی تکالیف عبادی خود را به جای آورند. در آموزه‌های دینی بر اساس قاعده نفی عسر و حرج و قاعده عدم تکلیف ما لایطاق، متناسب با توانایی جسمانی کم‌توانان، تکالیف عبادی آنان تشریح شده است. آگاهی کم‌توانان از این مهم زمینه علاقه‌مندی و پابندی آن‌ها را به انجام فرایض فراهم می‌کند. از این‌رو پژوهش حاضر با هدف تبیین برخی از وظایف عبادی فردی و اجتماعی کم‌توانان جسمی در آموزه‌های دینی با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که «از منظر آیات و روایات، کم‌توانان چگونه باید برخی از وظایف عبادی فردی و اجتماعی را به جای آورند». طبق یافته‌های پژوهش در آیات و روایات، دست کم از کیفیت انجام چهار وظیفه عبادی فردی کم‌توانان یعنی نماز، حج، دعا و فراگیری مسائل دینی و همچنین از کیفیت انجام چهار وظیفه عبادی اجتماعی آنان یعنی اذان‌گویی، نماز جماعت و امامت جماعت، جهاد و شهادت دادن سخن رفته است. ادای این وظایف موجب آرامش روح و روان کم‌توانان می‌شود و آنان در پرتو ارتباط مستمر با خداوند متعال در قالب عبادات معین قادر خواهند بود در برابر هجمه ناامیدی و افسردگی احتمالی مقاوم شوند و بر مشکلات ناشی از کم‌توانی فائق آیند.

واژه‌های کلیدی: آیات، اجتماعی، روایات، کم‌توانان جسمی، عبادی، فردی،

وظایف

۱- کارشناس ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
 ۲- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

* مؤلف مسئول:

رسول محمدجعفری
 گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Email:
 rasulmohamadjafari@yahoo.com

دریافت: ۵ مرداد ۱۴۰۰
 اصلاحات: ۲۸ آذر ۱۴۰۰
 پذیرش: ۶ دی ۱۴۰۰

◀ **استناد:** تیموری، ابوالفضل؛ محمدجعفری، رسول. بررسی برخی از وظایف عبادی فردی و اجتماعی کم‌توانان جسمی از منظر آیات و روایات. دین و سلامت، پاییز و زمستان ۱۴۰۰؛ ۹(۲): ۷۰-۵۹ (فارسی).



مقدمه

۱. بیان مسأله، ضرورت و اهمیت پژوهش

دین اسلام برنامه جامعی برای دستیابی تمام انسان‌ها به سعادت دنیوی و اخروی دارد؛ لذا وظایف آحاد مسلمانان را در زمینه‌های گوناگون فردی و اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی و فقهی ترسیم کرده است. در آموزه‌های دینی نسبت به کم‌توانان جسمی که بخشی از مردم جامعه را شکل می‌دهند، فروگذاری نشده و برخی از وظایف آنان به‌صراحت و برخی دیگر با اشارت بیان شده است. کم‌توانی از لوازم ضروری نظام مادی است و اگر اصل این‌گونه عوامل برچیده شود، نظام ملکی به نظام ملکوتی تبدیل می‌شود و دیگر احکام فقهی و حقوقی را به همراه نخواهد داشت (۱). مراد از کم‌توانایی جسمی هرگونه محدودیت یا نداشتن توانایی انجام فعالیت‌های عمومی و متعارف است که از نقص عضو نشئت می‌گیرد (۲). کم‌توان جسمی به کسی اطلاق می‌شود که در اثر اختلال و آسیب جسمی و حسی (بینایی و شنوایی) با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی مواجه است (۳).

کم‌توانان به دلیل معلولیت در اندام و قوای جسمانی نمی‌توانند مثل افراد سالم برخی از وظایف عبادی را به جای آورند. بحث از چگونگی انجام تکالیف به صورت صحیح موجبات کاهش آلام و مشکلات ناشی از کم‌توانی را فراهم می‌آورد و کم‌توانان را در شرایط روحی و روانی مطلوب‌تری قرار می‌دهد؛ لذا این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که «از منظر آیات و روایات، کم‌توانان چگونه باید برخی از وظایف عبادی فردی و اجتماعی را به جای آورند». با توجه به اینکه تحقیق حاضر بر تبیین آیات و روایات مرتبط با وظایف عبادی کم‌توانان تمرکز کرده است، لذا صرفاً از معلولیت‌هایی سخن گفته می‌شود که در گزاره‌های قرآنی و روایی بدان تصریح شده باشد.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه وظایف کم‌توانان جسمی پژوهش‌هایی انجام شده است. حسن علایی در پایان‌نامه خود با عنوان

«نابینایی از منظر آیات و روایات» از تکالیف نابینایان در دو بعد اخلاقی و عبادی سخن گفته، وظایف حکومت و جامعه را نسبت به نابینایان تبیین کرده و از منزلت خاص نابینایان نزد خداوند و جزای اخروی آنان بحث کرده است (۴).

نوری در مقاله‌ای با عنوان «تناسب آیات قرآنی در عرصه تکریم معلولان» از منزلت کم‌توانان در قرآن سخن گفته و قرآن را تنها کتاب آسمانی معرفی کرده که آنان را از نظر انسانی با دیگر افراد یکسان دانسته است و بر تعامل مثبت و انسانی و رفتار احترام‌آمیز با معلولان تأکید کرده است (۵).

محب‌الرحمان و قاضی‌زاده در مقاله خود با عنوان «حدوث قدرت بر رکوع و تأثیر آن بر نماز معلولان» احکام رکوع معلولانی را بررسی کرده است که به دلیل ناتوانی باید رکوع را نشسته به جای آورند، اما هنگام نماز ممکن است بر انجام رکوع به شکل اصلی قدرت یابند (۶).

در پژوهش‌های یادشده از برخی کم‌توانی‌ها بحث شده یا به برخی وظایف عبادی آنان اشاره شده یا تنها از راهکارهای اسلام نسبت به بهبود کیفیت زندگی آنان سخن رفته است و وظایف عبادی فردی و اجتماعی کم‌توانان مبتنی بر حداکثر گزاره‌های موجود در آیات و روایات تبیین نشده است. پژوهش حاضر برای جبران این خلأ انجام شده است.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

بر اساس آیه «ما یریدُ اللهُ لیجعلَ علیکم من حرج» (مائده: ۶) که بر قاعده نفی عُسر و حرج دلالت دارد و نیز آیه «لا یکلفُ اللهُ نفساً إلاً وسعها» (بقره: ۲۸۶) که بر تکلیف به اندازه بندگان تصریح می‌کند، خداوند متعال حکمی را که مستلزم عُسر و حرج بر بندگان شود، ساقط کرده است. برخی کم‌توانان جسمی به دلیل نداشتن آگاهی از این اصل مهم، انجام برخی از وظایف عبادی را مشابه آنچه افراد تندرست انجام می‌دهند، در توان خود نمی‌بینند یا انجام آن را طاقت‌فرسا می‌دانند؛ لذا از انجام وظایف عبادی منصرف و به نافرمانی اهمال

عبادی فردی کم‌توانان یعنی نماز، حج، دعا و فراگیری مسائل دینی سخن به میان آمده است. در ادامه هریک از این وظایف با بهره‌گیری از آیات و روایات تبیین می‌شود.

نماز

از رسول خدا (ص) نقل شده است که در هیچ حالتی نباید نماز را ترک کرد: «لَا تَدْعُ الصَّلَاةَ عَلَيَّ خَالٍ» (۹). کم‌توانان جسمی مشمول اطلاق این روایت می‌شوند و در هر وضعیت جسمی که قرار داشته باشند، به اقامه نماز موظف هستند؛ البته طبق روایات، کم‌توانان جسمی در به جا آوردن نماز به تناسب معلولیتی که دارند، به قدر توانشان مکلف هستند و می‌توانند نماز را آن‌گونه که قوای جسمانی‌شان یاری می‌کند، به جای آورند. برای نمونه، روایت شده است که اگر بیمار نتوانست ایستاده نماز بخواند، نشسته به جا آورد و اگر این‌گونه نیز نتوانست، به پشت بخوابد و نماز بخواند (۱۰). این روایت بر هر دو نوع معلولیت موقت و دائمی دلالت دارد. گاه فرد به‌طور موقت به شکستگی عضلات یا سایر بیماری‌ها دچار می‌شود و ناچار است تا زمان بهبودی، نشسته یا درازکش نماز بخواند. گاهی نیز فرد به‌طور دائم به بیماری و معلولیت مبتلاست و پیوسته باید نشسته یا درازکش نماز بخواند. این افراد برای به جا آوردن افعال نماز مانند سجده باید با سر اشاره کنند و اگر نتوانند باید با چشم‌ها اشاره کنند. اگر از آن نیز ناتوان باشند، باید در قلب نیت سجده کنند و با دست و مانند آن به سجده اشاره کنند و ذکر واجب را بگویند (۱۱).

روایت یادشده و بحث مربوط به آن در ارتباط با معلولان جسمی-حرکتی است. گاهی برخی معلولیت‌ها از ناحیه گفتار است و افراد کم‌توان نمی‌توانند نماز را قرائت کنند. امام صادق (ع) در باب کیفیت قرائت اذکار نماز برای فرد لال می‌فرماید: تکبیرة الاحرام، تشهد و قرائت انسان لال در نماز با حرکت زبان و اشاره انگشتش است (۹). از آنجاکه اشاره غالباً با انگشتان انجام می‌شود، به آن تصریح شده است و مفهوم مخالف روایت بر نفی اشاره با غیر انگشتان دلالت نخواهد داشت. همچنین لازم نیست

واجبات دچار می‌شوند. امثال پژوهش حاضر و آگاه کردن کم‌توانان از کیفیت انجام تکالیف در گرایش به عبادات و تلاش در به جا آوردن آن‌ها مؤثر خواهد بود.

۴. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی و تحلیل اسناد انجام شده است. با استفاده از روش مذکور، آیات قرآن کریم و روایات معصومان (ع) که با تکالیف عبادی کم‌توانان مرتبط هستند، استخراج شدند. برای احصا و تبیین آیات قرآن از تفاسیری چون تفسیر المیزان و تفسیر نمونه استفاده شد. برای احصا و تبیین روایات معصومان (ع) نیز از کتاب‌های حدیثی مانند المحاسن، کافی، تهذیب الاحکام، امالی صدوق و بحارالانوار استفاده شد. سپس با توجه به سؤال تحقیق، وظایف عبادی فردی و اجتماعی از یکدیگر تفکیک و تحلیل شدند.

یافته‌ها و بحث

در دین اسلام عبادت از جهات مختلف اقسامی دارد. از جنبه حکم تکلیفی به واجب، مستحب و مکروه تقسیم می‌شود (۷). از نظر گزاردن به شکل فردی و جمعی به عبادات فردی و عبادات اجتماعی تقسیم می‌شود. عبادات فردی اعمال و تکالیفی هستند که بر اساس نیت بندگی و تقرب انجام می‌شود و جنبه فردی دارد و منافع آن بیشتر و در درجه اول متوجه خود شخص می‌شود؛ مانند روزه، اعتکاف، حج، تحصیل علم و کسب معاش. عبادات اجتماعی شامل سلسله اعمال و وظایفی می‌شود که منافع و آثار آن متوجه افراد اجتماع می‌شود؛ مانند جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، خمس و زکات (۸). تکالیف عبادی کم‌توانان را بر اساس تقسیم‌بندی اخیر می‌توان به دو بُعد وظایف عبادی فردی و اجتماعی دسته‌بندی و با بهره‌گیری از آیات و روایات درباره آن‌ها بحث کرد.

وظایف عبادی فردی کم‌توانان

در آموزه‌های دینی دست کم درباره چهار وظیفه

تسهیل دیگری که در اعمال حج برای برخی کم توانان بیان شده است، استعمال سرمه است. طبق فتوای اغلب فقیهان شیعه، استفاده از سرمه برای احرام گزار حرام است، اگرچه کفاره بر او واجب نیست (۱۴). این ممنوعیت از نابینایان ساقط شده و به استعمال سرمه مجاز شده‌اند. عبدالله بن یحیی کاهلی از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «مردی نابینا (یا کم بینا) از امام صادق (ع) سؤال کرد: آیا هنگامی که در حال احرام هستم می‌توانم به چشمانم سرمه بکشم؟ حضرت فرمود: خیر. سپس از آن فرد نابینا پرسید: برای چه سرمه می‌کشی؟ او گفت: من نابینا هستم و سرمه برایم سودمند است. امام صادق (ع) فرمود: مانعی ندارد» (۹).

روایات بیان شده بر تسهیل در انجام برخی وظایف حج دلالت داشتند. طبق مفهوم آن‌ها، در صورتی که قوای جسمی کم توانان یاری‌رسان آنان در انجام اصل فریضه حج باشد، نباید آن را فروگذارند، مگر به عسر و حرج دچار شوند که تکلیف ساقط خواهد شد. لذا فقیهان شیعه یکی از ابعاد استطاعت حج را سلامت مزاج و توانایی انجام اعمال حج بدون مشقت زیاد در رفتن به مکه بیان کرده‌اند (۱۱).

دعا

دعا از مهم‌ترین اعمال عبادی است که کم توانان به انجام آن توصیه شده‌اند. برای درمان بیماری‌ها، غیر از عوامل طبیعی و مادی از قبیل دارو و پزشک، علل معنوی نیز تأثیر غیر قابل انکاری دارند. از مؤثرترین علت‌های معنوی، ذکر خداوند است. پیامبر (ص) به یکی از یاران خود برای رفع فقر و سقم (بیماری) این ذکر را توصیه کردند: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبِّرُهُ تَكْبِيرًا» (۱۵). منظور از «سقم»، بیماری‌های جسمی و روانی است (۱۶).

از کارکردهای مؤثر دعا، بهره‌گیری از آن برای رهایی از بیماری و دستیابی به سلامت تن و روان است. صحیفه

اشاره به شکل زبان اشاره مصوب بین‌المللی باشد، بلکه مطلق اشاره به اذکار کافی است (۱۲). به هر حال، این دو روایت و دیگر روایات وارد شده در این زمینه بر انجام تکلیف کم توانان مطابق با شرایط جسمی و میزان توانایی‌شان دلالت دارد.

حج

از دیگر تکالیف عبادی حج است. با توجه به دشواری‌های مربوط به اعمال حج، روایاتی مبنی بر تسهیل برخی تکالیف آن برای کم توانان جسمی حرکتی وارد شده است. به نمونه‌هایی از روایات وارد شده در این خصوص اشاره می‌شود. از امام صادق (ع) نقل شده است که پیران سال خورده، بیماران، بانوان و معلولان می‌توانند طواف حج را قبل از رفتن به منا انجام دهند (۹). در توضیح این روایت باید گفت که در حج تمتع، ابتدا باید مراسم عرفات و منا را انجام داد و پس از قربانی و تراشیدن سر به طواف زیارت رفت. اگر کسی عمداً تخلف کند و ابتدا طواف حج را انجام دهد، عملش صحیح نخواهد بود، ولی اگر عمل به این تکلیف مستلزم زیان و زحمت باشد، تخلف از آن اشکالی ندارد و می‌شود طواف خانه را مقدم کرد تا در اثر ازدحام جمعیت، سلامتی معلولان، پیران سال خورده و بیماران به خطر نیفتد. قطعاً این ضرورت درباره آنان در این ایام که تعداد حجاج افزون بر یک میلیون نفر است، بیش از دوران امام صادق (ع) خواهد بود (۱۳).

از دیگر احکام مربوط به حج، رمی جمرات (پرتاب سنگ به سوی نماد شیطان) است که غالباً برای کم توانان عسر و حرج دارد. لذا به آنان رخصت داده شده است و می‌توانند برای انجام آن نایب بگیرند. از امام صادق (ع) نقل شده است کسی که دست و پایش شکسته یا به اسهال مبتلاست، نایب گیرد و آن نایب به جای او به سوی نماد شیطان سنگ پرتاب کند (۹). به‌طور کلی هر گاه کم توانان قدرت مباشرت اعمال حج را نداشته باشند یا مباشرت موجب حرج و مشقت برای آنان شود، واجب است نایب بگیرند (۱۱).

چرا مداوا نمی‌کنی؟ گفت: می‌کنم. فرمود: چگونه؟ گفت: با دعا. امام (ع) فرمود: با دعا مقداری قطران (روغن ویژه درمانگر شتران) هم بگذار (۲۰).

فراگیری مسائل دینی

در حدیث مشهوری، رسول خدا (ص) فرمودند: فراگیری علم بر هر مسلمانی واجب است (۹). این روایت نسبت به تمام افراد و تمام علوم اطلاق دارد؛ بنابراین، نه تنها یادگیری علم بر کم‌توانان لازم است، بلکه موظف هستند به فراگیری هر علمی به اندازه توانایی و استعدادشان اقدام کنند. آموختن مسائل دینی بر همگان لازم است. برای تأمین سعادت دنیا و آخرت واجب شرعی است که حداقل ضروریات مسائل اعتقادی، اخلاقی و فقهی فرا گرفته شود. از این رو یکی از وظایف عبادی فردی کم‌توانان جسمی، فراگیری دانش‌های ضروری دینی است که بر هر مسلمانی لازم است. در کتاب‌های حدیثی، روایاتی وارد شده است که بر این ضرورت دلالت دارد.

در روایتی ابوالجارود به امام باقر (ع) عرضه می‌دارد: من نابینا و پیر هستم و فاصله‌ام تا شما بسیار است. می‌خواهم مطالبی را بیاموزم که با این آموزها در زمره باورمندان به دین خداوند باشم (و به آنها احتجاج کنم) و تمسک جویم و (به وارثانم) ابلاغ کنم. ابوالجارود گوید: امام (ع) از سخنم شاد شد و چهارزانو نشست. آن‌گاه فرمود: ای ابوالجارود، سختت را تکرار کن. ابوالجارود گوید: آنچه را گفته بودم، تکرار کردم. امام (ع) فرمود: آری ای ابوالجارود، دین، شهادت به این است که معبودی جز «الله» نیست و شریکی ندارد و محمد (ص) بنده و فرستاده او است. همچنین دین، اقامه نماز، پرداختن زکات، روزه ماه رمضان، حج خانه خدا، دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان ما، تسلیم بودن نسبت به فرامین ما، انتظار قائم ما، ورع و کوشش است (۲۱).

امثال این‌گونه آموزش‌ها و توصیه‌ها در روایات و سیره اهل بیت (ع) موجب شده بود در میان شاگردان ائمه (ع) افراد برجسته‌ای که نابینا بوده‌اند، رشد کنند و تربیت شوند. یکی از شاخص‌ترین آنان که از اصحاب امام باقر

سجادیه آکنده از این‌گونه نیایش‌هاست؛ برای نمونه، امام سجاد(ع) چنین دعا کرده است: «وَ اٰمِنُنْ عَلٰی بِالصَّحَّةِ وَ الْاٰمِنُ وَ السَّلَامَةُ فِی دِیْنِی وَ بَدْنِی» (۱۷): «بار خدایا، بر من احسان نمای به اعطای تندرستی و امنیت و سلامت در دین من و جسم من».

دعاهای مأثور فراوانی از معصومان (ع) وارد شده است و بیماران را به دعا و تضرع توصیه و از یأس و درماندگی نهی کرده‌اند. برای نمونه، در کتب ادعیه دعای مشهوری با عنوان «مشلول» (به معنای فرد «شل» و «فلج») گزارش شده است که سبب صدور آن، بهبودی کم‌توانان است. درباره علت صدور این دعا روایت شده است که جوانی در اثر آزار و اذیت پدرش، به نفرین او دچار و قسمتی از بدنش شل شد. امام علی (ع) او را به خواندن دعای مذکور توصیه کردند و پس از خواندن این دعا، بهبودی یافت. عمده دعای مذکور خواندن خداوند با اسماء و صفات حسنیاش است. فرازهای آغازین آن چنین است: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، یَا ذَالْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ، یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا حَیُّ لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ، یَا هُوَ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ مَا هُوَ وَ لَا کَیْفَ هُوَ، وَ لَا اَیْنَ هُوَ، وَ لَا حَیْثُ هُوَ اِلَّا هُوَ، یَا ذَالْمُلْکِ وَ الْمَلْکُوْتِ...» (۱۸).

درباره تأثیر دعا در درمان بیماری‌ها، الکسیس کارل نوشته است: بیمارانی بوده‌اند که تقریباً به‌طور آنی از دردهایی چون خوره، سرطان، عفونت کلیه، زخم‌های مزمن، سل ریوی و استخوانی پریتونئال شفا یافته‌اند. این معجزه با چنان سرعتی سلامتی را به بیمار باز می‌گرداند که هرگز حتی امروز هم جراحان و فیزیولوژیست‌ها در طول تجربیاتشان مشاهده نکرده‌اند (۱۹).

این عالم، عالم ماده است و اسباب معنوی در مجرای به‌کارگیری علل مادی نمود خواهد یافت؛ به عبارت دیگر، تحقق امور مختلف نظام دنیا در پرتوی به‌کارگیری اسباب مادی استوار شده است و برای رسیدن به مطلوب باید علل طبیعی را به کار گرفت، لذا دعای بدون بهره‌گیری از علل نافذ نخواهد بود. نمونه‌ای از جمع بین دعا و اسباب و پیگیری برای مداوا این روایت است که امیر مؤمنان (ع) از شخصی اعرابی که شتر او جَرَب و گال گرفته بود، پرسید:

(ع) و امام صادق (ع) است، شخصی به نام ابوبصیر است. ائمه (ع) همواره عرصه را برای آموزش او فراهم می‌ساختند. از این رو ابوبصیر گاه با کمک کودکی برای آموزش نزد امام صادق (ع) بار می‌یافت (۹).

امروزه تحقیقات نشان داده است کودکان معلول در صورت دریافت آموزش‌های صحیح می‌توانند مایه سعادت خانواده شوند و برعکس، در صورت مواجهه با روش‌های تربیتی نامطلوب و تعصب‌های نابجا و دلسوزی‌های بی‌مورد، به سمتی سوق داده شوند که بار سنگینی بر دوش خانواده، به خصوص پدر و مادر خود باشند و عوارض معلولیت و ناتوانی در آنان فزونی یابد (۲۲).

وظایف عبادی-اجتماعی کم توانان

در آموزه‌های دینی برای وظایف عبادی-اجتماعی کم توانان توصیه‌های فراوانی وجود دارد. انجام این وظایف نسبت به وظایف فردی برای کم توانان دشوارتر هستند؛ زیرا از سویی لازمه آن، حضور در جامعه و تحمل دشواری آمدوشد به اجتماع است. از سوی دیگر، باید بر شرمساری ناشی از معلولیت‌شان برای حضور در اجتماع فائق آیند. لذا برخی از کم توانان به خاطر تصور اشتباهی که از مشکلات ظاهری‌شان دارند، ممکن است حضور در اجتماع را دوست نداشته باشند و کنج عزلت و گوشه‌گیری را اختیار کنند. حال آنکه وجود وظایف عبادی-اجتماعی موجب غلبه بر احساسات و افکار منفی آنان خواهد شد و دیگران نیز کم توانان را عضوی چون توده جامعه تلقی خواهند کرد. در آموزه‌های دینی وظایف عبادی-اجتماعی کم توانان نه تنها کمتر از وظایف عبادی فردی نیست، بلکه شاید بتوان ادعا کرد افزون بر آن نیز است. طبق بررسی‌های انجام شده، دست کم در چهار محور دستورالعمل‌هایی درباره عبادات اجتماعی کم توانان وارد شده است که عبارت‌اند از: اذان‌گویی، شرکت در نماز جماعت و به عهده گرفتن امامت جماعت، جهاد و شهادت دادن.

اذان‌گویی

یکی از زمینه‌های فعالیت کم توانان جسمی در

اجتماع، اذان‌گویی است. طبق روایات، پیامبر (ص) دو مؤذن داشته است؛ یکی بلال که اذان صبح را عهده‌دار بود و دیگری ابن امّ مکتوم که نابینا بود و پیامبر (ص) اذان مغرب را به او واگذار کرده بود (۹). روشن است که هنگام اذان صبح چون دیگران خفته‌اند، شاید کسی پیدا نشود وقت طلوع فجر را اعلام کند و ابن مکتوم نیز به واسطه نابینایی از عهده تشخیص آن بر نمی‌آمد، ولی هنگام شب چون افراد در کوی و برزن در حال آمدوشد هستند، ابن مکتوم می‌توانست زمان غروب آفتاب را جویا شود و آن‌گاه اذان بگوید. به هر حال این روایت نشان می‌دهد پیامبر (ص) نابینایی را مانع به جا آوردن تکلیف عبادی-اجتماعی نمی‌دانست.

انتخاب بلال برای اذان‌گویی که در آن زمان یک وظیفه مهم اجتماعی به حساب می‌آمد، از جهات مختلف قابل توجه است. از جمله اینکه در حجاز سه چیز نشانه شورشختی به شمار می‌آمد: اجنبی بودن، بردگی و سیاه‌پوستی و بلال هر سه را داشت (۲۳). با این اوصاف رسول خدا (ص) او را مؤذن خویش قرار داده بود. مضاف بر آن‌ها، بلال در گویش اشکال داشت و حرف «شین» را به صورت «سین» تلفظ می‌کرد. این موضوع نیز مانعی برای واگذاری این وظیفه مهم نبود. پیامبر (ص) می‌فرمود: «سین بلال نزد خدا شین است» (۲۴). حضور افراد معلول در جامعه و مشارکت آنان در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف موجب شناخت بیشتر آنان از سوی جامعه می‌شود. در چنین شرایطی، زمینه مساعد برای تغییر نگرش‌های منفی فراهم می‌شود و نگرش‌های افراد جامعه نسبت به افراد معلول مثبت‌تر، منطقی‌تر و واقع بینانه‌تر خواهد شد (۲۵).

نماز جماعت

اگرچه کم توانان جسمی به دلیل شرایط جسمانی‌شان با دشواری‌هایی مواجه هستند، محدودیت‌های آنان مانع از توصیه به شرکت در نماز جماعت نشده است. برای نمونه امام صادق (ع) فرموده‌اند: پیامبر (ص) قصد داشت خانه‌هایی را که اهل آن‌ها از شرکت در نماز جماعت

شده است، به نوعی با سلامت فردی و اجتماعی ارتباط دارد. چهار مورد اول که برخورداری از اقسام دانش هاست، به سلامت روحی و بلکه جسمی فرد کمک می کند و چهار مورد دوم یعنی ارتباط با افراد جامعه، گفت و گوی سودمند و هدایت بخش در میان مؤمنان، گفت و گوی بازدارنده از هلاکت و تباهی مؤمنان و پیشگیری از جرائم و گناهان اجتماعی مواردی هستند که در پرتو رفت و آمد به مسجد شکل می گیرد و تأثیر بسزایی در ایجاد و توسعه سلامت اجتماعی دارند.

در برخی روایات شرکت در نماز جمعه که نوعی نماز جماعت است از کم توانان ساقط شده است. امام باقر (ع) می فرماید: به راستی که خداوند در فاصله دو جمعه، سی و پنج نماز بر مردم واجب کرده است که یکی از آنها را به صورت جماعت واجب کرده و آن نماز جمعه است و نه گروه را از آن معاف کرده است: کودک، پیرمرد، دیوانه، مسافر، بنده، زن، مریض، نابینا و هر کسی که در دو فرسخی نماز جمعه باشد (۲۸).

در این روایت نابینا و مریضی که بیماری آن نوعی معلولیت باشد، از کم توانان به حساب می آیند. از ظاهر این روایت برمی آید که علت این آسان گیری مشقتی است که در آمدن و آمدن به نماز جمعه وجود دارد. همچنین اسقاط این تکلیف به معنای عدم وجوب و نه ممنوعیت از حضور است؛ بنابراین، اگر مانع برطرف شود و مثلاً فرد نابینا با کمک دیگران در نماز جمعه حاضر شود، یقیناً نکو خواهد بود و از فضیلت های آن بهره مند خواهد شد.

امامت جماعت

شاید تصور برخی بر این باشد که افراد کم توان به هیچ روی نمی توانند امامت جماعت را برعهده گیرند. این تصور به طور مطلق غلط است و طبق روایات باید قائل به تفصیل شد؛ بدین معنا که برخی کم توانان از این امر نهی شده اند، ولی برخی دیگر جواز امامت دارند. در روایات، امامت جماعت برخی کم توانان جسمی جایز دانسته شده است. چنانکه گزارش شده است در جنگ های فتح، تبوک و مبلک، زمانی که رسول خدا (ص) از مدینه خارج شدند،

کوتاهی می کنند، آتش زند. در این هنگام نابینایی آمد و گفت: ای رسول خدا! من نابینا هستم و چه بسا صدای اذان را می شنوم، اما کسی را نمی یابم مرا به اقامه نماز جماعت با شما برساند. پیامبر (ص) به او فرمود: از خانه ات تا مسجد طنابی بکش و در نماز جماعت حاضر شو (۱۰).

اگرچه روایت مذکور بر استحباب حضور نابینایان در نماز جماعت دلالت دارد (۲۶)، با این وجود همان گونه که از ظاهر روایت پیداست، کم توانایی های جسمی نمی تواند عذری برای ترک نماز جماعت باشد. حضور در نماز جماعت علاوه بر آنکه موجب بهره گرفتن از پاداش اخروی خواهد بود، بهره مندی از آثار معنوی حضور در اجتماعات دینی را در پی خواهد داشت. ارتقای روحیه امید به زندگی، برخورداری از نشاط و غلبه بر کاستی های جسمانی از جمله آثار معنوی این حضور خواهد بود.

توصیه به حضور در نماز جماعت به اندازه ای بوده است که گاه برخی کم توانان از پیامبر (ص) اجازه می خواستند در مسجد و نماز جماعت شرکت نکنند، اما پیامبر (ص) به آنان رخصت نمی داد. نقل شده است که روزی ابن ام مکتوم نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، من نابینا هستم و خانه ام دور است. کسی را ندارم که مرا تا مسجد همراهی کند. آیا اجازه دارم در نماز جماعت شرکت نکنم؟ پیامبر (ص) فرمودند: آیا صدای نماز جماعت به تو می رسد؟ ابن ام مکتوم گفت: آری. حضرت فرمود: اجازه نداری (۲۷).

برخی روایات بیان کرده اند که نماز جماعت در سلامت اجتماعی افراد جامعه از جمله کم توانان مفید است. در روایتی امام رضا (ع) از رسول خدا در خصوص آثار رفت و آمد پیوسته به مسجد نقل است: کسی که همواره به مساجد رفت و آمد داشته باشد، هشت بهره خواهد برد: آیتی استوار، واجبی مورد ابتلا، سنتی برقرار، دانشی عمیق، بهره مندی از برادر دینی، سخنی که او را بر هدایت رهنمود کند، سخنی که او را از هلاکت نجات دهد و ترک گناه به سبب ترس یا شرم (۱۵).

فوایدی که در این روایت برای نماز جماعت برشمرده

صورتی که به سویی غیر از قبله نماز گزارد، باید نمازش را اعاده کند، اما لازم نیست مأمومان نماز را اعاده کنند (۹).

دیدگاه فقهای حال حاضر و در قید حیات نسبت به امامت جماعت کم‌توانان متفاوت است؛ آیت‌الله خامنه‌ای اقتدا به کم‌توانانی را که دست یا پای آنان فلج است، احتیاط در ترک آن می‌داند. اما اگر معلولیت در حد قطع شست پا باشد، مضرّ به امامت جماعت نیست. ایشان قاعده کلی در امامت جماعت کم‌توانان را چنین بیان داشته‌اند: به‌طورکلی اگر استقرار و آرامش در قیام به صورت طبیعی وجود داشته باشد و بتواند آن را در حال قرائت حمد و سوره و ذکرهای نماز و انجام افعال آن حفظ کند و قدرت بر رکوع و سجده کامل با گذاشتن هفت عضو بدن بر زمین داشته باشد و بتواند وضوی صحیح بگیرد، اقتدای دیگران به او در نماز بعد از احراز سایر شرایط امامت جماعت صحیح است و در غیر این صورت محل اشکال است (۳۱). امامت جماعت نابینا نیز بلااشکال است (۳۲)

آیت‌الله سبحانی مطلقاً امامت جماعت کسانی را که نقصی در به جای آوردن اعمال نماز دارند، صحیح نمی‌داند. از نظر ایشان هرکس نماز خود را به سبب عذری ناقص می‌خواند، نمی‌تواند امام جماعت برای دیگران باشد، مگر در یک مورد و آن اگر امام جماعت به‌واسطه عذری با تیمم یا وضوی جبیره‌ای نماز بخواند، می‌شود به او اقتد کرد (۳۳).

دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی در امامت جماعت معلولان فراخ‌تر است. از نظر ایشان کسی که نقص عضوی دارد، چنانچه بعضی از اعضای سجده را داشته باشد و بعضی را نداشته باشد، می‌تواند امام جماعت شود (۳۴)

آیت‌الله مکارم و آیت‌الله سیستانی امام جماعت کسی را که شست پای او از بیخ قطع شده باشد، بدون اشکال می‌دانند، ولی آیت‌الله نوری همدانی معتقد است بنابر احتیاط نباید فرد مذکور امامت جماعت کند (۳۵).

از مراجع حی دیگر در خصوص حکم امامت جماعت کم‌توانان با وجود جست‌وجوی گسترده، فتوایی یافت نشد.

ابن ام مکتوم نابینا را به جانشینی خود برای امامت جماعت برگزیدند (۲۹).

در روایات از امامت جماعت افراد دچار جذام، پیسی و جنون نهی شده است و نیز افراد فلج نباید برای افراد سالم امام جماعت باشد (۹). علامه مجلسی علت نهی از امامت افراد فلج را عدم توانایی آنان در به جا آوردن اعمال نماز به‌طور صحیح بیان کرده است (۳۰). در صورتی که قدرت ایستادن و به جا آوردن تمام اجزای نماز را به صورت عادی داشته باشند، اشکالی بر امامت آنان نیست. شیخ طوسی امامت افراد فلج را حمل بر کراهت کرده است؛ او در این باره می‌گوید: ظاهر این روایت بر عدم جواز به امامت این‌گونه افراد دلالت دارد و علت حمل بر کراهت، روایات بسیاری است که متضمن جواز آن است و باید آن‌ها را با هم جمع کرد (۱۰).

در برخی روایات با شرط شناخت قبله و برخورداری از فضیلت، پذیرش این مسئولیت بدون اشکال شناسانده شده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: نماز خواندن پشت نابینا در صورتی که قبله را بشناسد و افضل آنان باشد، اشکالی ندارد (۹). امکان این کار تا آن جایی است که حتی مردم خودشان می‌توانند جهت قبله را برای او مشخص کنند و نابینایی را امام خود قرار دهند. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: اشکالی ندارد که نابینا بر قومی امام جماعت باشد، اگرچه آنان جهت قبله را به او نشان داده باشند (۱۰). ابوبصیر که صحابی نابینا و برجسته امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بود، در راه مکه امامت جماعت گروهی را بر عهده می‌گیرد و امام صادق (ع) ایراد نمی‌گیرد (۹).

یکی از وظایف هر نمازگزاری، تلاش برای یافتن قبله است. نابینایان نیز به این وظیفه مکلف هستند و شرط امامت جماعت نابینا بیان شده است. از امیرمؤمنان (ع) نقل است که فرمود: نابینا نباید در صحرا امام جماعت باشد، مگر آنکه قبله را تشخیص دهد (۹). در صورت توجه نکردن به یافتن قبله، نابینا باید نماز را اعاده کند، اگرچه برای مأمومان لازم نیست. امام صادق (ع) می‌فرماید: نابینایی که امام جماعت گروهی است، در

از دیگر تکالیف عبادی کم‌توانان در عرصه اجتماع، شهادت دادن در موضوعات مختلف است. در میان کم‌توانان، نابینایان و ناشنوایان دو گروهی هستند که با توجه به نوع معلولیت‌شان، امکان شهادت و شیوه ادای آن محل بحث است. لذا در آموزه‌های دینی از آن سخن به میان آمده و شرایط تحقق آن بیان شده است.

درباره شهادت نابینا، امام باقر (ع) آن را جایز دانسته و فرموده‌اند: اگر (با قراین و دلایل) بر او ثابت شده باشد، می‌تواند شهادت دهد (۹). دیدگاه مشهور فقیهان شیعه صحت شهادت فرد نابینا در اموری است که به مشاهده نیاز ندارد (۴۲). نسبت به شهادت ناشنوا، امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر (با قراین و دلایل) بر او ثابت شده باشد، می‌تواند شهادت دهد (۹). نظر مشهور علمای شیعه آن است که شهادت ناشنوا را می‌پذیرند و شهادت فرد کر و لال نیز به اتفاق آرای علما مورد قبول است؛ به شرط آنکه قاضی مفهوم اشارات او را درک کند (۴۱).

از امام صادق (ع) درباره نحوه ادای شهادت لال روایت شده است: اگر اشاره گنگ هنگام شهادت او معلوم و مفهوم باشد، جایز است. دختری غیرعرب را که درباره (کفر و اسلامش) تردید داشتند، نزد رسول خدا (ص) آوردند. حضرت به او فرمود: من چه کسی هستم؟ دختر اشاره‌ای به آسمان و آن حضرت و مردم کرد؛ به این معنا که تو فرستاده خدا به سوی مردم هستی. حضرت فرمود: این دختر مسلمان است. اسلام را به او آموختند. بدین سبب اگر مفهوم اشاره گنگ روشن باشد، جای سخن می‌نشیند (۴۳).

در جوامع بشری برخی از انسان‌ها به دلایل مختلف به معلولیت دچار می‌شوند. آنان بخش جدایی‌ناپذیری از بدنه جامعه هستند. لذا بر دولت‌ها و حکومت‌ها لازم است که برای آنان قوانین حمایت از حقوق معلولان تدوین کنند و وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های مرتبط را به ارائه خدمات بهداشتی، رفاهی، درمانی، قضایی، آموزشی و ... متناسب با شرایط جسمی و روحی آنان موظف کنند. در آموزه‌های مترقی دین اسلام و در گزاره‌های قرآنی و حدیثی به این

طبق آیات قرآن کم‌توانان جسمی به دلیل دشواری و مشقت جهاد از انجام آن معاف هستند. در آیه ۱۶ سوره فتح آمده است: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْمُرِيضِ حَرْجٌ»: «بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند]». مفسران در سبب نزول این آیه از قول ابن‌عباس گزارش کرده‌اند، هنگامی که آیه ۱۶ سوره فتح فرود آمد «وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»: «اگر - هم چنانکه پیش‌تر پشت کردید - [باز هم] روی بگردانید، شما را به عذابی پردرد معذب می‌دارد». گروهی از معلولان و بیماران خدمت رسول خدا (ص) آمدند و گفتند: تکلیف ما چیست؟ خداوند آیه ۱۷ سوره فتح را نازل کرد (۳۶). در این آیه، خداوند با نفی حرمت، حکم وجوب جهاد را از بیماران و کم‌توانان برداشته است (۳۷).

درباره حکم فقهی حضور یا عدم حضور کم‌توانان در جهاد اموری چند حائز اهمیت است:

۱) رفع حکم وجوب جهاد از بیماران و کم‌توانان تا زمانی است که جهاد برای گسترش اسلام یا واجب کفایی باشد، در غیر این صورت جهاد بر همگان وجوب می‌یابد و آحاد جامعه اعم از بیمار و تندرست، کوچک و بزرگ، زن و مرد به مقدار توانشان واجب است در جهاد حضور یابند (۳۸).

۲) کم‌توانان به اختیار خود می‌توانند در جهاد شرکت کنند و اجر جهاد آنان نسبت به دیگران دو چندان است؛ به عبارت دیگر، هرچند تکلیف جهاد به سبب دشواری از کم‌توانان برداشته شده است، اما جایز است در جهاد حضور یابند و پاداش آنان مضاعف است (۳۹). همان‌طور که ابن‌ام‌مکتوم - که نابینا بود - در جنگ قادسیه شرکت کرد و پرچم را نگه داشت (۴۰).

۳) کم‌توانان در حد توان موظف هستند برای مسلمانان خیرخواهی کنند و در پیشبرد اهداف الهی گام بردارند و آنچه در توان دارند، فرونگذارند؛ مثلاً اگر نمی‌توانند در جبهه شرکت کنند، دست کم پشت جبهه را استوار نگه دارند (۴۱).

پیشنهادات

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می شود سبک زندگی مطلوب و شایسته برای کم توانان جسمی و ذهنی بررسی شود.

حمایت مالی

این پژوهش بدون هیچ گونه حمایت مالی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش به دلیل استفاده از متون، موردی مرتبط با ملاحظات اخلاقی وجود نداشته است و تمام منابع در مقاله مستند شده اند.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می کنند که در این تحقیق تضاد منافع وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر قسمتی از پایان نامه تخصصی مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث با عنوان «سبک زندگی کم توانان جسمی و ذهنی و چگونگی تعامل با آنان از منظر آیات و روایات» است. نویسندگان بر خود لازم می دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه شاهد، معاونت پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، داوران پایان نامه، داوران مقاله و تمام افرادی که در تدوین و اصلاح مقاله همکاری کردند، تشکر و قدردانی کنند.

قشر از جامعه توجه شایانی شده است. در این تحقیق که تنها وظایف عبادی فردی و اجتماعی کم توانان جسمی بررسی شده است، روشن شد آنان در برخی تکالیف معاف هستند و نسبت به برخی دیگر به قدر توانایی مکلف هستند. این واقع نگری هم موجب توجه دادن به شخصیت و عزت نفس کم توانان است و هم درخواست تکلیف از آنان به اندازه توانایی خواهد بود.

نتیجه گیری

در این پژوهش وظایف عبادی کم توانان از منظر آیات و روایات از دو بُعد وظایف عبادی فردی و اجتماعی بررسی و تحلیل شد. از آموزه های دینی به طور مشخص وظایف عبادی فردی کم توانان در چهار محور نماز، حج، دعا و فراگیری مسائل دینی استخراج و تحلیل شد. در باب وظایف عبادی اجتماعی آنان نیز در چهار محور اذان گویی، شرکت در نماز جماعت و به عهده گرفتن امامت جماعت، جهاد و شهادت دادن رهیافت هایی بحث و تبیین شد. وظایف عبادی ای که بر عهده کم توانان جسمی گذارده شده است، نقش سازنده ای در تأمین نیازهای جسمی و روحی آنان دارد. خداوند به کم توانان رخصت نداده است به واسطه معلولیتی که دارند، از وظایف خود سرباز زنند. در عین حال انجام وظایف عبادی موجب آرامش روح و روان آنان می شود و آنان در پرتو ارتباط مستمر با خداوند در قالب عبادات معین قادر خواهند بود بر احساس یأس و افسردگی غلبه کنند و به تبع آن بر مشکلات ناشی از کم توانی فائق آیند. در این بین انجام وظایف عبادی زمینه ساز حضور در جامعه و موجب غلبه بر شرم مذموم نیز خواهد بود.

References

- Javadi-Amoli A. Nesbat Din Va Donya; Qom: Esra; 2009 (Persian)
- Hosseini S, Safari F. Disability, Poverty, Social Exclusion. Journal of Social Welfare. 2008; 30(31):267.
- Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities. Magles Shoraye Islamy; 2019.
- Hasan Alaie M. Blindness from the perspective of verses and hadiths. [Master's Thesis]. Tehran, Iran: Faculty of Hadith Sciences in Rey; 2015 (Persian).
- Noori M. Proportion of Quranic verses in the field of honoring the disabled. Power Letter Magazine. 2014; 4-6:228-237 (Persian).
- Moheb Alrahman MM, Ghazi Zadeh K. The occurrence of power on bowing and its effect on the prayers of the disabled. Journal of Medical Jurisprudence. 2015; 24-25 (Persian).
- Hashemi Shahroudi M. Farhmag fiqh mutabiq

- madhhab Ahl al-Bayt (PBUH), Qom: muasisuh dayirat almaearif fiqh aslamy bar madhhab Ahl al-Bayt (PBUH). 2008; 5:307.
8. Sadeghi Ardestani A. Worship in Islam. Available at: www.andisheqom.com/fa/article.P.63.
 9. Koleyny M. Al-Kafee. Research by: Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi. 4ed. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Eslamiyyah. 1986; P.30.
 10. Aūsi M, Tahdhib al-Ahkam. 4ed, Tehran: Islamic Library. 1995; 3:167-173.
 11. Sistani S. Religious Precepts of Persons with Disabilities, Qom: The Book of the Culture of the Disabled. 2017; 66-71.
 12. Moheb al-Rahman M. Prayer of the Disabled on the basis of Shi'i jurisprudence, Tehran: Tuanmandan publications and Farhang Maaloulin Notebook. 2018; P.116.
 13. Behboodi MB. Selected Kafee, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Center, 1Ed; 1984.
 14. Allama Helli H. Tadhkirat al-Fuqaha, Qom: Foundation of the House of the Prophet (PBUH), 1414 BC.
 15. Barghi A. Al Mahasen, 2th Edition, Qom: Al-Islam Atheist; 1992. Raghīb Isfahani H. Al Mufradat fi Gharib al Quran, 1th Edition, Beirut: Dar Al-Qalam. 1991; P415 (Arabic).
 16. Imam Zeinol Abedin (P.B.U.H). Sahifeh Sajjadih, Translated by: Mohammad Mahdi Rezayi, 1th Edition, Tehran: Osveh. 2004; P129.
 17. Seyyed Ibn Tawus A. Mahj Al-Dawaat, translated by Mohammad Taqi ibn Ali Naqi Tabasi, 1 ed, Tehran: Raiha. 2000; P.254 (Arabic).
 18. Shariati A. Prayer, Tehran:Elham. 2005; P.49. (Persian).
 19. Javadi-Amoli A. Tasnim, Qom: Esra. 2010; 9:422-423 (Persian).
 20. Qutbuddin Ravandi S. Al-Dawat, 1 ed, Qom Imam Mahdi (AS) School Publications; 1995. P.135 (Arabic)
 21. Torabian N. Family, disabled child: The role of consulting services in facilitating relationships. School Counselor Growth Magazine. 2015; 11(41): 36
 22. Hojjati Kermani A. Islam and Racial Discrimination. Tehran: Sahami Company Publications. Sixth edition. 1982; 214 (Arabic)
 23. Ibn Fahd Helli A. Uddat al-Da'i wa Najah al-Sa'i, Qom: Dar al-Kitab al-Islami, First edition; 1982; P.27.
 24. Keldi A. Examining people's attitudes towards the disabled. Social Sciences Quarterly (Allameh Tabatabai University). 2000; 11:36.
 25. Al-kurr all Āmili M. Hedayat al-Ummah, 1ed, Mashhad, Astan al-Radwiyya al-Maqdis. 1992; 3:262 (Arabic)
 26. Al-Muttaqi al-Hindi A. Kanz al- 'Ummāl, Beirut, Al-Risalah Institute. 1989; 8:255 (Arabic)
 27. Saduq M. Al-Amali. Beirut: A'lami. 1984; 390 (Arabic)
 28. Seyyed Ibn Tawus A. Al-Taraif in the introduction of sectarian religions. 1ed, Qom, Khayyam. 1978; 1:233. (in Arabic)
 29. Majlesi MB. Bihar Al-Anwar, 2ed ition, Beirut: Dar Al-Ehya Al-torath Al-Arabi. 1982; 4:394 (Arabic)
 30. Khamenei A. Ajvabah al Esteftaat. Tehran: Al-Huda International Publications; 2010.
 31. <https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=44#593>
 32. Sobhani J. Resale Tozih al Masael. Qom: Imam Sadegh Institute; 2008.
 33. Makarem Shirazi N. Esteftaat Jadid. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School Publications; 2006. <https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa30046>
 34. Qurtubi M. Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an. Tehran: Nasir Khosrow. 1984; 16:273 (Arabic)
 35. Tabatabai M. Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. 5ed. Qom: Qom scientific board of educators in social Islamic publication office. 1995; 18:282.
 36. Moqnieh MJ. Almubin commentary. Be'sat foundation. 1995; 1:681 (Arabic)
 37. Abo hayyan Mohammad ibn Yusof Andolosi. Al-Bahr al-Mohit in commentary. Mohammad Jamil Sedghi, researcher. Beirut: dar al-Fekr. 1998; 9:491 (Arabic)
 38. Ibn Athir al-Jazri. M. Usdu al-Ghâbah: Biographie des Compagnons, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Gharbi. 1993; 3:183 (Arabic)
 39. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh, 1th Edition, Tehran: Dare Elektb Al-Islamiyya Publication. 1995; 22:63 (Persian)
 40. Najafpour M. Shahadat; 2014.
 41. Qazi Nu'man N. Dua'im al-Islam, Qom: Al-Bayt Institute, second edition. 1965; 2:510 (Arabic)